

اضطراب‌های زنانه

Photo: bidarzani.com

هنگامی که در قرن ۸۱ میلادی، جنبش نو شدن یا همان مدرن شدن به راه افتاد، کسی گمان نمی‌کرد که این جنبش پا را از حوزه‌های ادبی و سیاسی فراتر گذاشته و در خصوصی‌ترین حالت‌های افراد هم نمود یابد؛ جنبش نو شدن اضطراب انسان‌های مدرن، از لحظه‌ی بیداری تا پناه گرفتن در بستر خوابی آکنده از افکار مخدوش متعلق به آینده‌ای نامعلوم.

یکی از بارزترین نمونه‌های زایش اضطراب در جامعه را می‌توان متعلق به زنان و و جایگاه شغلی آنان در جامعه دانست. اشتغال زنان مخصوصاً در جوامع در حال توسعه مانند ایران، بعد از گذشت چند دهه پذیرش این امر، همچنان با مشکلات خاص خود همراه است. مشکلاتی اعم از پایگاه اجتماعی و دستمزد پایین‌تر آنان نسبت به مردان با وجود سطح تحصیلی و شایستگی یکسان و گاه فراتر، و هم چنین امنیت شغلی.

در چنین جامعه‌ای زنی که شاغل است علاوه بر تأمین بخشی از هزینه‌های اقتصادی زندگی باید فرزند، همسر، مادر و به عبارتی متصدی بی‌عیب و نقص امور خانه و خانواده باشد. و هر لحظه آمادگی پذیرش این موضوع را داشته باشد که تزلزل در هر کدام از نقش‌هایش، جایگاه شغلی او را به خطر می‌اندازد. زیرا طبق عرف این جوامع زنی که نتواند به امور خانواده رسیدگی کند، زنی که نتواند وعده‌های غذایی اعضای خانواده را تدارک ببیند و در کل زنی که نتواند خانه‌دار خوبی باشد، حق داشتن شغل یا به عبارتی کار بیرون از خانه را ندارد.

گرچه اقتصاد امروز جوامع در حال توسعه بیش از گذشته به اشتغال زنان روی آورده و او را وادار کرده است همدوش مردان برای گذران زندگی فعالیت کند؛ اما همچنان محدودیت‌های شغلی‌شان تداوم یافته است. بعد دیگر محدودیت‌های زنان از سوی جامعه و کارفرمایان اعمال می‌شود؛ جامعه‌ای که زنان را جنس دوم می‌داند و تمام تلاش خود را برای در حاشیه نگه داشتن آنان به کار می‌گیرد.

هنگامی که یک زن در جستجوی شغل مورد نظر خود است، ناگزیر است از بسیاری معیارهای گزینشی خود چشم‌پوشد تا بتواند در جایگاه شغلی که حداقل از نظر خودش دارای محیط کاری امن است، قرار بگیرد. این جایگاه شغلی اصولاً دارای حقوق پایین و ساعت کاری بالاست؛ زیرا مردان به بهانه‌ی نان آور بودن خانواده مناسب این گونه شغل‌ها نیستند!

مسئله‌ی دیگری که برای بسیاری از زنان شاغل حائز اهمیت است، مسیر رفت و آمد خانه تا محل کار است؛ مسیری که شاید بتوان گفت با زایش‌های پیوسته‌ی اضطراب همراه است. جنبش نو شدن پریشانی.

او هر صبحدم که پا را از خانه بیرون می‌نهد، در صدد است که کار خود را به بهترین نحو ممکن و در مناسب‌ترین زمان تعیین شده انجام بدهد تا بتواند هرچه زودتر به محل دیگر خدمت خود و شاید امن‌ترین پناهگاه خود بازگردد. هراس از رفتارهای جنس برتر! در روشنایی و به ویژه تاریکی شبانه روز، او را حتی اگر مدعی مدرن‌ترین انسان هم باشد و می‌دارد با احتیاطی مردانه گام بردارد!

در نهایت اینکه تمام این لحظات تولیدشده و بازتولیدشده‌ی جامعه آکنده از اضطراب‌هایی است که آستن جنبش‌های نوین زنان بوده است و همچنان خواهد بود.

منبع: بیدارزنی